

## منشأهای روز [اول ماه] مه چه هستند ؟

ایده‌ی فرخنده بکاربردن يك جشن تعطیل بیولتاری بعنوان وسیله‌ای برای اکتساب هشت ساعت در روز نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آنجا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی يك روز کامل کار را با جلسات و تفریحات بعنوان تجلی موافق با هشت ساعت در روز سازماندهی کنند. روز ایمن جشن با ۲۱ آوریل میشد. در ابتدا، کارگران استرالیایی اینرا فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده‌های بیولتاری استرالیا بخشید و با شادایی که بر آنان بجای گذارد منجر به تصحیح [آیلتاسون] نوینی گشت که تصمیم گرفته شد جشن را هر سال تکرار کنند.

در حقیقت چه میتوانست به کارگران شهامت و ایمان بیشتری در قدرت خودشان بدهد تا يك توقف کار تودم‌ای که آنها خودشان آنرا انتخاب کرده باشند ؟ چه میتوانست شهامت بیشتری به بردگان ایده کارخانه‌ها و کارگاهها بدهد تا فراخواندن گردانهای خودشان ؟ پس، ایده جشن بیولتاری بسرت پدیرفته شد، و از استرالیا، آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان بیولتاری را فتح کرد.

نخستین نوبتیکه بد نبال کارگران استرالیایی رفتند، امریکایی‌ها بودند. در ۱۸۸۶، آنها تصمیم گرفتند اول [ماه] مه باید روز توقف جهانی کار باشد. در این روز ۲۰۰۰۰۰ نفر از آنها کارشان را ترک کرده و هشت ساعت در روز را طلب کردند. بعدها، تصویقات پارلمانی و قانونی کارگران را سالها در تکرار نظاهراتی با این [وسعت] مانع شد. معجزاً در ۱۸۸۸ آنها تصمیم خود را تجدید کرده و معمم شدند که جشن بعدی در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد.

در این اثناء، جنبش کارگران در اروپا قویتر و با تحرکتر شد. بود. قویترین نمود این جنبش در کنگره کارگران انترناسیونال در ۱۸۸۹ رخداد. در این کنگره، که چها رصد نماینده حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که هشت ساعت در روز باید نخستین مطالبه باشد. پس از آن، نماینده اتحادیه‌های فرانسه، کارکولابین آ از بوردو، خواست که این مطالبه در تمام کشورها با يك توقف جهانی کار ابراز شود. نماینده کارگران آمریکا توجه را به تصمیم و تقاضایش برای اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب کرد، و کنگره این تاریخ را برای جشن جهانی بیولتاری برگزید.

در این مورد، مانند سی سال پیش در استرالیا، کارگران واقعا فقط يك بار نظاهرات در نظر داشتند. کنگره تصمیم گرفت که کارگران همه سرزمینها با هم دیگر برای هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه

۱۸۹۰ تظاهرات بکنند . هیچکس از تکرار تعطیل برای سالهای بعد سخنی نگفت. طبیعتاً هیچکس نمیتوانست طریق برق آسایش بخش یعنی کند که با آن آمده موفق شده و چه بسرهت از طرف طبقات کارگر پذیرفته خواهد شد . معیذاً، جشن گرفتن روز [اول ماه] به بسادگی یک بار کافی بود تا اینکه هرکس بفهمد و حس کند که روز [اول ماه] به باید یک نهاد سالانه و پیگیر باشد . . .

اولین [خواست اول ماه] به پذیرش هشت ساعت در روز را مطالبه کرد . ولی حتی پس از رسیدن به این هدف، روز [اول ماه] به از بین نخواهد رفت . تا زمانیکه مبارزه کارگر بخند روزی و طبقه حاکم اراده دارد، تا زمانیکه همه مطالبات پذیرفته نشد مانند، روز [اول ماه] به نمود سالانه این مطالبات خواهد بود . و، وقتیکه روزهای بهتری سرزنند، وقتیکه طبقه کارگر جهان رستگاریش را بدست آورد - آنگاه هم بهشرت احتمالاً روز [اول ماه] به را بافتن بمبارزات تلخ و رنجهای بسیار گذشته جشن خواهد گرفت .

## توضیحات

۱. متن از *Ausgewählte Reden und Schriften*, II برلین: انتشارات دیتز، ۱۹۵۱. متن اصلی در فوریه ۱۸۹۴ به لهستانی در پاریس منتشر شد. ترجمه فارسی از انگلیسی برگزیده آثار سیاسی روزا لوکسزامبورگ "سانتلی روزه نوپورک"، ۱۹۷۱، می باشد.
۲. *Bordeau* از *Lavigne*.